

احوال شخصیه شیعیان، فروع فقهی درکرسی اصول حقوقی

حمزه واعظی، نویسنده و پژوهشگر افغان در اسلو
برگرفته از سایت فارسی بی بی سی

امضای قانون احوال شخصیه شیعیان از سوی رئیس جمهور کرزی، موجی از واکنشها را در مجامع داخلی، محافل سیاسی - بین المللی و نیز مدافعان حقوق بشر برانگیخت.

تدوین این قانون بر مبنای ماده 131 قانون اساسی صورت گرفته است که مقرر می دارد، محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

برخورد سیاسی با مسایل حقوقی

جدا از هرچه صواب و نا صواب، پیرامون این پدیده در رسانه ها و نیز مجامع سیاسی - مدنی، آنچه در مورد این مسأله بصورت جدی و واضح می توان گفت این است که هم پدید آورندگان قانون احوال شخصیه شیعیان و هم، مروجان و منعکس کنندگان آن در رسانه ها، از یک موضوع حقوقی و فقهی، یک مقوله سیاسی و رسانه ای ساخته اند.

مواردی از این قانون که به مسایلی مانند ارث، سن ازدواج و روابط زناشویی می پردازد، بویژه، آن مواردی که مشخصا به مردان حق می دهد تا مانع بیرون رفتن زنان از خانه شوند و یا زنان را مکلف می کند تا خواسته های "جنسی" شوهرانشان را بر آورده کنند؛ مغایر با روح قانون اساسی و آشکارا در تضاد با بند پنجم و هشتم مقدمه این قانون و نیز ماده های هفتم، بیست و دوم، و بیست و چهارم این قانون اساسی می باشد که بر مبنای آن، قرار است در جامعه مدنی عاری از ظلم و استبداد، تبعیض، خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی ایجاد شود.

در چنین جامعه ای هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع ممنوع و زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب برابر بوده و آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون است. این قانون همچنین مغایر با ماده های ششم و هفتم و بند سوم ماده بیست و نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر است که تصریح می کند هرکس حق دارد شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود و همه حق دارند بدون تبعیض از حمایت قانون برخوردار باشد.

در قانون اساسی افغانستان اعلامیه جهانی حقوق بشر پذیرفته شده است.

فروعات فقهی

مسایلی مانند حق تمکین زن از شوهر در امور جنسی و یا فعالیت های اجتماعی، جزء "فروع" فقه شیعه است نه جزء "اصول" و مبانی آن تا به عنوان مواد اصلی در قانون احوال شخصیه آورده شوند.

این قانون چنانچه با همین صورت و سیرت، زمینه و اعتبار عمل پیدا کند، بزرگترین چالش حقوقی، فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی را در حوزه ی زندگی سیاسی - اجتماعی شیعیان افغانستان، به ویژه در سرنوشت زنان این جامعه که به عنوان پویا ترین و جسور

ترین قشر اجتماعی در فعالیت های اجتماعی و مشارکت های فرهنگی - سیاسی تبارز یافته اند، فراهم خواهد ساخت

ثانیا این فروع، هم در فقه شیعه و هم در فقه اهل سنت و جماعت، مشترک و مشابه است و از این رو، ضرورت و نیازی به تفصیل و تدوین آن در قانون احوال شخصیه شیعیان ندارد و می تواند به عنوان یک رویه قضایی در محاکم، مورد تفسیر و تبیین حقوقی قرار گیرد.

به نظر می رسد در تدوین قانون احوال شخصیه شیعیان، عناصر خاص و شناخته شده ای نقش اساسی داشته اند که عمدتا نماینده و حامل اندیشه و قرائت کاملا سنتی و جامد از مبانی فقهی و حقوقی شیعه هستند.

آنچه روشن است این است که بخش عمده ای از علما و فقهای نو اندیش، و برخی از مراجع تقلید مانند آیت الله محقق کابلی و نیز حقوقدانان شیعه در افغانستان، این نوع قرائت فقهی را نقد کرده اند.

در این مورد می توان درسیمنا علمی که به بررسی قانون احوال شخصیه ی شیعیان در دانشگاه کاتب در تابستان سال گذشته در کابل برگزار شده بود، اشاره کرد که بسیاری از فقها و حقوقدانان مجتهد و نو اندیش شیعه، به روشنی مواد و موارد جنجالی این قانون را نقد کردند و پیشنهاد نمودند که مواد این قانون می باید مبتنی بر درک شرایط روز و منطبق با منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول و معیارهای دموکراتیک، تدوین و تعدیل شود.

تعارض با واقعیت های اجتماعی

موضوع دیگر این است که شماری از مواد گنجانیده شده در قانون احوال شخصیه شیعیان، آشکارا در تضاد و تعارض با سنت فرهنگی و اندیشه اجتماعی ای است که اکنون به صورت گسترده در میان شیعیان افغانستان تبلور عینی یافته است.



"آنچه روشن است این است که بخش عمده ای از علما و فقهای نو اندیش و برخی از مراجع تقلید مانند آیت الله محقق کابلی و نیز حقوقدانان جامعه شیعه در افغانستان، این نوع قرائت فقهی را نقد کرده اند." حمزه واعظی

موج گرایش به دانش اندوزی و آموزش، دلبستگی و روی کرد همگانی شیعیان افغانستان به تولید ارزشهای دموکراتیک مانند تحصیل دختران در دانشگاهها، فعالیت آزادانه زنان در امور اجتماعی، هنری، ورزشی، فرهنگی، اقتصادی و اداری، سهم گیری فعال جوانان در فعالیتهای مدنی، فرهنگی و رسانه ای، مشارکت عمومی در تأمین امنیت، متابعت همگانی آنها از دولت ملی و همنوایی با موج دموکراسی خواهی، همه و همه

نشاندنده روح تساهل و تسامح و بیانگر گرایش برگشت ناپذیر شیعیان به ارزشهای دمکراتیک جامعه مدنی است.

مطمئناً این نوع گرایش به مراتب بیشتر از تدوین و تعمیم فروعاً فقهی قانون احوال شخصیه، هم با سیره و سنت امروزی این جامعه سازگارتر است و هم، تأمین کننده خیر و صلاح و منافع اساسی این جامعه می باشد.

این قانون چنانچه با همین صورت و سیرت، زمینه و اعتبار عمل پیدا کند، بزرگترین چالش حقوقی، فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی را در حوزه زندگی سیاسی - اجتماعی شیعیان افغانستان، به ویژه در سرنوشت زنان این جامعه که به عنوان پویا ترین و جسور ترین قشر اجتماعی در فعالیت های اجتماعی و مشارکت های فرهنگی - سیاسی افغانستان تبارز یافته اند، فراهم خواهد